مسمومیت ۳۸ دانشجو در خوابگاه

۳۸ نفر در خوابگاه دانشگاه امام صادق(ع) مسموم و راهی بیمارستان شدند. یحیی طبری، رئیس اورژانس تهران به جام جم گفت: ساعت ۲ و ۳۳ دقیقه بامداد سه‌شنبه، گزارش مسمومیت غذایی در خوابگاه شماره یک دانشگاه امام صادق(ع) حوالی شهرک غرب به اورژانس اطلاع داده شد. نیروهای امدادی به محل اعزام و معلوم شد که ۳۸ نفر بر اثر مسمومیت، بدحال شده‌اند. آنها بعد از اقدامات اولیه درمانی، راهی بیمارستان شدند.

تصادف هولناک اتوبوس با ۲۰ خودرو

تصادف اتوبوس با ۲۰ خودروی سواری در میدان حصارک شهر کرج، سه مصدوم برجای گذاشت. سرهنگ حمدا... رحمتی‌پور، رئیس پلیس راهور استان البرز به سایت پلیس گفت: ساعت ۷ و ۳۴ دقیقه صبح دیروز وقوع تصادف میان اتوبوس و چند دستگاه خودرو در میدان حصارک کرج به پلیس ۱۱۰ گزارش شد. با حضور ماموران در محل، معلوم شد اتوبوس خط واحد به‌دلیل نداشتن کنترل خودرو از طرف راننده با ۲۰ خودرو، برخورد کرده است. در این حادثه، سه نفر مصدوم و راهی بیمارستان شدند. علت حادثه، تخطی از سرعت مطمئنه از سوی راننده اتوبوس بود.

زوم

عبدالباقی در دیار باقی

در حالی که دقایقی بعد از حادثه، دستور بازداشت مالک و پیمانکار متروپل صادر شده بود، شامگاه دوشنبه اعلام شد حسین عبدالباقی، مالک این برج در زمان حادثه در ساختمان حضور داشته و ناپدید شده است. جست‌وجوها ادامه داشت تا این‌که امدادگران با جسد مردی در زیر آوار روبه‌رو شدند که به‌شدت صدمه دیده بود و شناسایی او از روی چهره مشخص نبود. جسد از زیر آوار خارج و تحویل ماموران پلیس شد که در بازرسی جیب او، مدارکی کشف شد که متعلق به حسین عبدالباقی بود. جسد با دستور قضایی برای تشخیص هویت به اداره تشخیص هویت پلیس منتقل شد که پس از بررسی‌های علمی اعلام شد، جسد متعلق به مالک ساختمان است. دادستان استان خوزستان هم پس از گزارش تشخیص هویت پلیس، هویت مالک ساختمان را تایید کرد تا نام او در ردیف ۳۹ لیست مصدومان و قربانیان حادثه متروپل قرار بگیرد. البته براساس گزارش‌های رسمی، عبدالباقی متولد سال ۱۳۶۰ است اما در این لیست سن او ۳۵ سال اعلام شده است.

روایت خبرنگار اعزامی جام جم از خانواده‌های چشم‌انتظار مقابل متروپل

سکوت زنده‌یاب‌ها

معصومه ملکی
لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

با گذشت دو روز از ریزش برج دوقلوی متروپل در خیابان امیری آبادان، پس‌لرزه‌های آن همچنان ادامه دارد. ساختمان غیراستانداردی که به گفته استاندار خوزستان، قرار بود در شش طبقه احداث شود اما با خودسری مالک، دو، سه طبقه دیگر به آن اضافه شد. چهار ستون برج حالا به‌شدت سست است و هر لحظه امکان دارد ستون فقراتش بشکند و باز هم فروریزد. همه جای خیابان امیری، پر از تکه آجر و آهن‌پاره‌های برج است. از دو روز پیش، خواب به چشم خیلی از آبادانی‌ها نیامده. وضعیت آنها که زیر صدها تن آهن و سیمان و بتن دفن شده‌اند، هنوز مشخص نیست. معلوم نیست چند نفر با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند و چند نفر فوت شده‌اند. نیروهای هلال‌احمر، آتش‌نشانی و اورژانس هنوز پای کار هستند. سگ‌ها و دستگاه‌های زنده‌یاب هم تلاش می‌کنند تا شاید تن نیمه‌جانی را از زیر خروارها آوار بیرون بکشند.

حداقل ۴۰ تا ۵۰ خانواده مفقودان حوالی برج نشسته‌اند و با گریه دست به دعا برداشته‌اند. حال مادرانی که چشم انتظار خبری از فرزندان و عزیزان‌شان هستند، خوب نیست. صدای شیون آنها لحظه‌ای قطع نمی‌شود و حاضر نیستند حتی برای یک‌لحظه آنجا را ترک کنند. با هر پیکری که از زیر آوار بیرون می‌آید، زن و مرد از ته دل زار می‌زنند. پیرمردی که دو فرزندش زیر آوار مانده، از شدت غم به سینه‌اش می‌کوبد. یکی از این خانواده‌ها، خانواده رامین و مریم، یک عروس و داماد دهه هفتادی هستند که در طبقه همکف برج متروپل کافه داشتند اما حالا نه اثری از خودشان است و نه کافه‌شان.

جواد، یکی از دوستان مریم و رامین است. او به خبرنگار جام جم می‌گوید: «آنها دو سال پیش ازدواج کردند. رامین قبلا مغازه عکاسی داشت اما سه ماه قبل، کافه‌اش را در طبقه اول برج راه‌اندازی کرد و به عشق همسرش، نام کافه را «مری» گذاشت. وقتی خبر ریزش برج را شنیدم، باورم نشد و فکرکردم شایعه است. وقتی به محل حادثه رفتم، با واقعیت روبه‌رو شدم. با گوشی هر دو تماس گرفتم اما خاموش بود. چندبار به برج آمدم و پیگیر وضعیت آنها شدم ولی هیچ ردی از آنها وجود ندارد. امیدوارم معجزه‌ای رخ دهد و هر دو زنده باشند.

محمدکشفی ۴۰ ساله، یکی از قربانیان حادثه است. یکی از دوستان صمیمی او به ما می‌گوید: «محمد متاهل بود و فرزند داشت. او دبیر فروش پروژه‌های ساختمانی بود و با پروژه متروپل نیز همکاری داشت. وقتی خبر را شنیدم، به طرف برج حرکت کردم و در طول راه هم چندبار با محمد تماس گرفتم اما گوشی‌اش خاموش بود. وضعیت برج آن‌قدر بد بود که امیدی به زنده ماندن محمد و افراد گرفتارشده نداشتم. چندساعتی همراه با امدادگران جست‌وجو کردم و شب بود که امدادگران جسدش را همراه چند نفر دیگر بیرون کشیدند. چه کسی پاسخگوی فرزند اوست که غریبانه پدرش را از دست داد؟»

چهار عضو یک خانواده زیر آوار

چهار نفر از خانواده محمد جلیلیان هم زیر آوار برج مانده‌اند. او درباره این حادثه توضیح می‌دهد: «دامادم تمام زندگی‌اش را فروخت تا این بستنی‌فروشی را در برج بخرد. هنوز ۲۰ روز هم از افتتاح مغازه‌اش نمی‌گذرد که این اتفاق افتاد. دامادم با برادرزاده‌اش و دو خواهرزاده‌ام، زیر آوار برج هستند. علاوه بر آنها، دو کودک هفت ساله‌که برای خرید بستنی آمده بودند هم زیر آوارند. امدادگران با استفاده از سگ و دستگاه زنده‌یاب گفتند دستگاه علائمی از زنده بودن انسان نشان داده اما حجم نخاله آن قدر زیاد است که به‌سختی می‌توان کار کرد. دست‌شان درد نکند، خیلی کمک حال هستند. نیروهای مردمی هم هرطور بتوانند با آوردن آب و بیسکوییت به دیگران کمک می‌کنند.»

مرد هراسانی هم دنبال برادر گمشده‌اش است. او به جام جم می‌گوید: «برادرم به عنوان کارگر در طبقه پنجم برج مشغول کار بود که سقف ریزش کرد و گرفتار شد. لباس ایمنی کارم را پوشیدم و به برج آمدم اما با دیدن حجم آوار گمان نمی‌کنم کسی زنده بماند. آنهایی هم که زنده ماندند، با خوش‌شانسی و در ساعات اولیه حادثه از محل خارج شده بودند. همکاران برادرم گفتند روز حادثه بین ۸۰ تا ۸۵ نفر کارگر در برج کار می‌کردند.»

محسن نصیری، یکی دیگر از مفقودی‌های متروپل است که برادرش همه جا را دنبال او گشته است. با او می‌خواهیم صحبت‌کنیم اما حال عمومی‌اش آن‌قدر نامساعد است‌که عذرخواهی می‌کند. از یکی از دوستان، در مورد حادثه می‌پرسیم: «موتور او جلوی برج بود و مشخص است روز حادثه وارد برج شده. همراه خانواده او، تمام بیمارستان‌ها را دنبال محسن گشتیم اما هیچ ردی از او پیدا نکردیم. عکس او را هم در فضای مجازی منتشر کرده‌ایم، ولی تا الان خبری از او نشده است.»

دختر جوانی که به‌شدت بی‌تاب است، با مادرش به محل حادثه آمده‌اند. او نگران خواهرش است: «خواهرم دو هفته بود در این برج کار می‌کرد و الان دو روز است از او بی‌خبریم.» مادر دیگری که اصلا حال خوشی ندارد با گریه می‌گوید: «چه بگویم؟ چهار فرزندم زیر آوار هستند و خبری از آنها ندارم.»

مردی که رمقی ندارد و در یکی از خیابان‌های منتهی به خیابان امیری نشسته است، می‌گوید: «دو دختر و همسرم برای خوردن بستنی به کافه آمده بودند اما دیگر از ساختمان خارج نشدند.»

مرد جوانی که از شاهدان حادثه است، می‌گوید: «روز حادثه به سینما رفته بودم که ناگهان صدای لرزش شدیدی آمد. فکرکردم زلزله است و سراسیمه بیرون زدم. وارد خیابان که شدم، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. ساختمان برج متروپل ریزش کرد و بخشی از آن، شیشه‌های خودروهای پارک شده را شکسته بود. شیشه‌های خودروی خودم هم کامل شکسته و بدنه آن آسیب دیده است. شرایط بد و وحشتناکی حاکم بود.»

میلاد جعفری که از نزدیک شاهد تجمع مردم در صحنه است، از همین موضوع به ماگلایه می‌کند: «متروپل از نظر طولی سه برابر پلاسکوی تهران است و با شرایط و امکاناتی‌که می‌بینم، فکر نمی‌کنم تا یک ماه دیگر هم آوارهای برج جمع شود. متاسفانه هیچ مدیریتی برای متفرق کردن مردم وجود ندارد و هر لحظه ممکن است دیواره‌های کناری برج بریزد. با این‌که خیابان‌های اطراف را با کانتینر مسدود می‌کنند اما باز هم مردم به‌راحتی می‌توانند خودشان را پای برج برسانند. نیروها در حال نخاله‌برداری هستند ولی این کار، خطر ریزش برج را به همراه دارد. اگر برج را تخریب و بعد نخاله‌برداری کنند، بهتر است.»

نگرانی‌های مسوولان و برخی شهروندان از تجمع مردم از ریزش احتمالی برج بی‌دلیل نبود و در حالی‌که با خانواده‌های مفقودان مصاحبه می‌کردیم، ناگهان بخشی از برج فروریخت. خبرش را هم مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر خوزستان اعلام کرد و گفت: «با توجه به شرایط ناپایدار سازه، متاسفانه بخشی از سازه، حین عملیات آواربرداری فرو ریخت و سه نفر از عوامل امدادی دچار جراحت شدند. شرایط برای امداد، مقداری سخت است و حضور مردم هم کار را برای ما سخت‌تر می‌کند.»

جست‌وجو با دستگاه زنده‌یاب

بسیاری از مردم و خانواده‌های مفقودان، چشم دوخته‌اند به امدادگرانی‌که تلاش می‌کنند رد و نشانی از مفقودان پیدا کنند. یونس نصاری، نجاتگر واکنش سریع هلال‌احمر، دست از کار می‌کشد تا برای ما از کار امدادرسانی بگوید: «با سگ‌ها و دستگاه‌های زنده‌یاب جست‌وجو را آغاز و چند نفر را از طبقات همکف زنده خارج‌کردیم. جست‌وجو را تا ساعت ۴ صبح ادامه دادیم و جنازه سه کارگر و مهندس ناظر را از زیر آوار بیرون کشیدیم. خانواده‌های مفقودان هم واکنشی مشابه خانواده‌های پلاسکو دارند. اینجا هم خانواده‌ای گفتند عضو گمشده‌شان در طبقه ۱۰ گرفتار شده که وقتی جست‌وجو کردیم، نبود. دوباره گفتند در طبقه پنجم است، باز هم گشتیم اما نتیجه‌ای نداشت. مدتی بعد مدعی شدند از زیر آوار فیلم فرستاده‌اند اما هیچ فیلمی منتشر نشد. متاسفانه این‌گونه شایعات کار جست‌وجو را با مشکل مواجه کرده‌است. حتی یکی گفت فرزندش زیر آوار برج، گرفتار شده اما بعد متوجه شدیم به خانه یکی از بستگانش رفته‌است. طبقات پارکینگ را گشتیم ولی چیزی پیدا نکردیم و بیشترین جست‌وجوها در طبقه اول انجام می‌شود. پنج جنازه را ما و سایر جنازه‌ها را تیم‌های امدادی دیگر پیدا کرده‌اند.»

یکی از امدادگران حاضر در محل هم گفت: «از صبح امروز با دستگاه‌های زنده‌یاب و کمک آتش‌نشانان در محل‌هایی که احتمال حضور مفقودان وجود داشت، جست‌وجو کردیم اما هیچ نشانه‌ای از حیات پیدا نکردیم. این دستگاه‌ها تا عمق ۱۰ متری را بررسی می‌کنند و اگر فرد زنده‌ای در زیر آوار باشد، پالس مثبت نشان می‌دهند. متاسفانه در این حادثه ما هنوز پالس مثبتی ندیده‌ایم که این موضوع احتمال زنده‌بودن افراد زیر آوار را به حدود صفر رساند.»

یکی از آتش‌نشانان‌که از اولین نفرات اعزام شده به محل حادثه است، از ناگفته‌هایش می‌گوید: «ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه در آتش‌نشانی بودم که متوجه وقوع حادثه در برج متروپل شدیم. اول فکر می‌کردیم شاید حادثه‌ای جزئی رخ داده باشد اما وقتی به محل رسیدیم و شرایط را دیدیم، تازه متوجه شدیم حادثه چه ابعاد وسیع و تلخی دارد. ۱۷ سال است در آتش‌نشانی هستم ولی این حادثه و تبعات آن، از تلخ‌ترین و نادرترین حوادثی است‌که به چشم دیده‌ام.»

مهدی ولی‌پور، معاون امداد و نجات هلال‌احمر کم‌عرض بودن کوچه، باقیمانده سازه و تجمع مردم در محل حادثه را عامل اصلی کندی عملیات امداد و نجات می‌داند و می‌گوید: «با این شرایط، جان امدادگران ما هم در خطر است و نمی‌خواهیم تلفات بدهیم.»

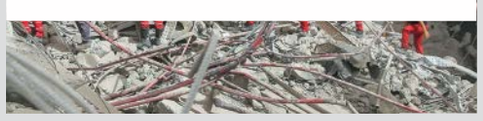

واکنش‌ها

تاکید بر قصور سازنده

- نماینده ولی‌فقیه در استان خوزستان و امام جمعه اهواز ضمن تاکید بر برخورد بدون ملاحظه با عوامل دخیل در حادثه ریزش ساختمان متروپل آبادان، پیگیری سریع و بدون ملاحظه عوامل این حادثه را از سوی مسؤولان ذی‌ربط ضروری خواند.» وی همچنین روز چهارشنبه (چهارم خردادماه ۱۴۰۱) را در آبادان و خرمشهر عزای عمومی اعلام کرد.
- احمد وحیدی، وزیر کشور گفت: «ریزش آوار بسیار زیاد است و به دلیل باریک بودن خیابان منتهی به محل حادثه، قدری کار مشکل است. دقیقا نمی‌توان گفت آواربرداری متروپل کی تمام می‌شود اما همه تلاش‌مان بر این است هرچه زودتر بتوانیم عزیزانی را که احتمالا در برخی طبقات محبوس شده‌اند، پیدا کنیم.»
- سرپرست سازمان نظام مهندسی کل کشور گفت: «ساختمان متروپل در سال ۹۶ پروانه ساخت اخذ کرد اما طراحی ساختمان توسط سازمان نظام مهندسی انجام نشده‌است. شهرداری می‌بایست جلوی ساخت‌وساز غیرمجاز را بگیرد. در تخلفی آشکار سه طبقه این برج به‌صورت اضافه ساخته شده‌است و بی‌توجهی به گزارش مهندسان ناظر این فاجعه را رقم زد.»
- رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان خوزستان هم گفت: «ایراداتی مانند رعایت نشدن پوشش میلگرد، تغییر شکل بعضی از تیرها و کمانش برخی ستون‌های پروژه متروپل را به شهرداری گوشزد کردیم و یک ماه قبل هم دستور توقف دادیم.»
- مهدی ولی‌پور، معاون امداد و نجات هلال‌احمر گفت: «هیچ دسترسی‌ای به کافی‌شاپ و آبمیوه‌فروشی‌ای‌که در طبقه همکف برج قرار دارد، نداریم و باید لایه لایه آواربرداری کنیم. در حال حاضر، آمار مشخصی در خصوص تعداد مفقودان وجود ندارد.»

برای مشاهده فیلم دومین روز جست‌وجو کیوآرکد زیر را اسکن کنید

زنگ خطر

پلاسکو، عبرت نشد

محمد غمخوار
دبیر حوادث

پنج سال قبل بود که زنگ خطر در باره خطر ساختمان‌های ناایمن با ریزش پلاسکو به صدا درآمد. اگر بخواهیم درست بگوییم، پنج سال و چهار ماه. صبح یک روز زمستانی و در برابر چشمان هزاران بیننده شبکه خبر، ناگهان پلاسکو آوار شد و بعد از آن اظهار نظرها درباره علت حادثه، کم‌کاری‌ها و قصور برخی دستگاه‌ها شروع شد، آن هم زمانی که پیکر تعدادی از کسبه و آتش‌نشان‌های فداکار زیر آوار گرفتار بود و خانواده‌هایشان بدون توجه به این حاشیه‌ها به تلاش امدادگران چشم دوخته بودند و به زنده بیرون آمدن گرفتاران امید داشتند.

حالا بعد از پنج سال و چهار ماه، حادثه پلاسکو این بار در خیابان امیری آبادان تکرار شد. ساختمان نوساز و ۱۰ طبقه متروپل ناگهان فرو ریخت و بیش از ۵۰ نفر زیر آوار آن گرفتار شدند. ماجرای متروپل نشان داد از پلاسکو درس نگرفتیم و اگر این بار از متروپل درس نگیریم، دوباره شاهد تکرار این حوادث خواهیم بود و هموطنان دیگری قربانی سهل‌انگاری می‌شوند.

۱- پس از حادثه پلاسکو اعلام شد، درباره ناایمنی این ساختمان و خطرات آن پیش از این هشدارهایی داده شده‌بود اما جدی نگرفتن آنها یکی از دلایل ریزش ساختمان بعد از آتش‌سوزی بود؛ درست مانند علت ریزش برج دو قلوی متروپل آبادان. دو روزی است دستگاه‌های نظارتی در فضای مجازی برگه‌هایی رو می‌کنند تا ثابت کنند، پیش از این درباره خطرات این سازه هشدار داده‌اند اما به نظر می‌رسد گوش شنوایی برای شنیدن این هشدارها نبود و بخشی از پروژه سال ۹۸ با حضور استاندار وقت خوزستان افتتاح شد. حضور استاندار در این مراسم، به نوعی خط بطلانی به هشدارها درباره این ساختمان بود. حالا دو سال بعد از این افتتاح، بی‌توجهی مالک به هشدارها باعث شد، خودش نیز زیر آوار ساختمانش گرفتار شده و جانش را از دست بدهد.

۲- وقتی حادثه پلاسکو اتفاق افتاد، یکی از موضوعاتی که عملیات امداد و نجات را با دشواری روبه‌رو کرد، حضور افراد گوشی به دست در مقابل ساختمان بود. افرادی که از لحظاتی قبل از وقوع حادثه در محل حضور داشتند و تا پایان عملیات جست‌وجو، میدان را ترک نکردند. در ماجرای متروپل هم با این‌که احتمال ریزش بخشی از سازه وجود دارد اما تجمع افراد حتی با نیت کمک، عملیات امدادگران را با مشکل روبه‌رو کرد؛ موضوعی که سخنگوی اورژانس و معاون امداد و نجات هلال احمر هم بر روی آن تاکید داشتند. به نظر می‌رسد، نیروهای فراجا باید در کنار آموزش‌های تخصصی، آموزش مدیریت صحنه حوادث نیز ببینند تا در این مواقع بتوان رفتارهای هیجانی شهروندان را کنترل کرد.

۳- سلبریتی‌ها و بازیگران نیز باید توجه داشته باشند، حضور آنها در محل‌های حادثه، هیچ کمکی به نیروهای امدادی و افراد گرفتار در زیر آوار نمی‌کند؛ پس محوطه حادثه را لوکیشن سلفی از خود نکنند.

۴- پلاسکو و متروپل فروریخت و قاتل جان هموطنان و امدادگران شد اما چند پرسش بی‌پاسخ ماند. چه کسی مسؤول برخورد با بی‌توجهی به اخطارهای ناایمنی سازه است و چرا از فعالیت این ساختمان‌ها تا رفع خطر جلوگیری نشد؟ چند سازه دیگر ناایمن در کشور وجود دارد و چه زمانی قرار است برای آنها تصمیم‌گیری شود؟

خبر

پیدا کردن نوزاد در سطل زباله

نوزاد پسر تازه متولد شده که داخل دو کیسه پلاستیکی سفید و مشکی در سطل زباله در محله نازی‌آباد رها شده‌بود، پیدا شد.

اهالی، هنگام عبور از کنار این سطل زباله متوجه صدای نوزادی شدند که با جست‌وجو در سطل، نوزاد را در حالی‌که در میان دو کیسه پلاستیکی پیچیده شده بود یافتند. آنها سریع با پلیس و اورژانس تماس گرفته و درخواست کمک کردند. شواهد نشان می‌داد نوزاد همان روز به دنیا آمده بود.

یحیی صالح‌طبری، رئیس مرکز اورژانس تهران در این‌باره به جام جم گفت: صبح روز یکشنبه فردی با اورژانس تماس گرفت و اطلاع داد، نوزاد پسری که هنوز بند نافش جدا نشده را داخل دو کیسه پلاستیکی سفید و مشکی در سطل زباله محله نازی‌آباد تهران یافته است. در ادامه نیروهای امدادی اورژانس به آنجا رفتند و پس از تحویل گرفتن نوزاد و تمیز کردن، او را تحویل بیمارستان دادند. حال او رضایت‌بخش است.